



تراژدی فوت ۶ کارگر در معدن طزره زخم کارگران معدن را تازه کرد

اول منافع سرمایه‌داران، بعد ایمنی!

است و گاز متان تولید می‌کند. کارگران تقریباً به انتهای کار خود رسیده بودند. این تصاعد گاز در رسته تونل، فضا را پر می‌کند. لوکوموتیو هم برقی است و توسط باتری کار می‌کند. بر اثر جرقه‌ای که لوکوموتیو تولید می‌کند، گازی که تصاعد شده بود، به اشتعال درمی‌آید و منفجر می‌شود. سه کارگری که در فضای دویل بودند در آنجا خفه می‌شوند. سه کارگر نیز پایین رسته تونل بودند که دچار خفگی و سوختگی می‌شوند. شش نفر در نهایت جان شان را از دست دادند. در قسمتی که این کارگران کار می‌کردند، کار دست شرکت ذوب‌آهن اصفهان است. ذوب‌آهن اصفهان نیز بخشی از معدن را به پیمانکار سپرده بود و بخش دیگری که این اتفاق در آن افتاده هم به دست خود ذوب‌آهن اصفهان است. یعنی با تعدادی از کارگران قرارداد معین داریم که در همین قسمت مشغول کارند و دریافتی‌شان چیزی بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان است و تعدادی دیگر هم پیمانکاری موقت در قسمتی مشغولند که به دست پیمانکار است. کارگرانی که قرارداد معین هستند، طبقه‌بندی مشاغل دارند و حقوق‌شان نیز کنتراتی است. یعنی کاری را به آنها محول می‌کنند و بر مبنای ثمری که دارند باید کار را تحویل دهند. این کارگران، حداقل حقوق را دارند اما به هر حال کار دیگری را به آنها می‌سپزند تا حقوق‌شان افزایش یابد. متأسفانه با سیاست‌های اخیر، شرکت‌های دولتی که معدن به دست‌شان بود به شرکت‌های خصوصی سپرده شد و امنیت شغلی کارگران پایین آمده. پرداختی‌هایی که حق‌شان است را دریافت نمی‌کنند و در اینجا حق کارگر ضایع می‌شود. آن هم کارگر معدنی که جان‌ش را برای کار به مخاطره می‌اندازد تا نان در بیاورد.»

کارگران پیمانی یا رسمی همه در سمت‌های مدیریتی و استادکاری یا بازرسی و این‌چنین‌ها مشغول کار هستند و اصلاً فشار کاری به اندازه ما ندارند و همه فشارها بر دوش افراد پیمانکاری شخصی است. طبق حقوق اداره کار و حتی بیمه هم کارگران شخصی مشکل دارند. برای سختی کار هم مشکل واریز داریم. در کار هم اصول ایمنی به‌شدت ضعیف است و بیشتر مسئولان ایمنی یا برحسب آشنایی یا گرفتن شیرینی کار را تایید می‌کنند و همین مشکل‌ساز است و این‌چنین مسائل پیش می‌آید و کارگر قربانی می‌شود. کارگران به دو صورت روزانه یا پستی یا به‌صورت شیفتی که دو پست در یک روز و روز بعد استراحت است مشغول کار در معدن هستند و کارگرانی را که به‌صورت تک‌پست هستند، به اجبار دو پست نگه می‌دارند و فردا هم باید سر کار حاضر شوند، در صورتی که ساعت یازده و نیم شب تازه به منازل خود می‌رسند و صبح ساعت ۵ باید از خانه به‌سمت معدن بیایند. اگر اضافه‌کاری اجباری را روز بعد نیاوریم، در هر دو صورت جلوگیری از کار و در صورت تکرار، اخراج می‌شویم و اصلاً فکر کارگر نیستند؛ کارگری که هنوز خستگی روز قبل و بی‌خوابی در بدنش هست، کارایی لازم و بعضاً هوشیاری کافی را ندارد و مستعد خطرات است. تجهیزات معدن بسیار قدیمی است یعنی نیم‌قرن عمر دارند و خودشان خطرناک هستند و هیچ تجهیزات جدیدی به معدن اضافه نمی‌شود. «اینجا گفته‌های یکی دیگر از کارگران به «فرهیختگان» است.

متناسب با قرارداد‌های خود با کارفرمایان معدن، پرداخت نمی‌کنند و سر و ته آن را می‌زنند. پیش از این نیز شماری از بازنشستگان فولاد واحد زغال‌سنگ البرز غربی (سنسگرو) نسبت به شرایط بد معیشتی خود در مقابل دفتر کارتون بازنشستگان رودبار گیلان اعتراض کردند. تجمع کنندگان خواستار اجرای کامل همسان‌سازی، دریافت مطالبات معوقه، تضمین اجرای تعهدات درمانی مطابق با آیین‌نامه فولاد و افزایش حقوق سال ۱۴۰۲ براساس نرخ تورم شدند.

که تاریخ انتشار آگاهی‌ها ۲۸ آبان ۱۴۰۱ و تاریخ بازگشایی پاکات ۲۶ آذر ۱۴۰۱ است. همچنین تهیه و اجرای بسته‌های سرمایه‌گذاری برای احیا و فعال‌سازی مجدد ۴۰۰ معدن را نیز کم از کم از جمله برنامه‌هایی است که وزارت صمت داشته. واگذاری و مزایده معدن، دو وجه منفی دارد. یکی از آن‌ وجوه، سپردن کار به دست شرکت‌های خصوصی و به دنبال آن تقصیر حقوق کارگر است که نمونه‌های آن را می‌توان در همین طزره دید و بررسی کرد که کارگران بخش خصوصی معادن در چه سطحی از وضعیت معیشتی روزگار می‌گذرانند. اما وجه دوم و کلان آن، اجازه بهره‌برداری دوباره معدن و آسیب دوباره به محیط‌زیست است که در این ماجرا مسئولان محیط‌زیست ترجیح‌شان سکوت و ادامه بهره‌برداری و آسیب به طبیعت، سلامتی و زندگی موجودات زنده است.

درنهایت یک کارگر معدنچی جان خود را از دست داد. درگذشت دو کارگر در آبان ماه ۱۴۰۱ ریزش معدن زغال‌سنگ پرورده شرقی در خرداد ۱۴۰۱ و درگذشت دو کارگر، ریزش معدن در خراسان رضوی در مرداد ماه ۱۴۰۱، ریزش معدن در منطقه چیل‌آباد و محبوس ماندن دو کارگر هم از دیگر حوادث مربوط به ریزش معدن در سال گذشته هستند. اما تلخ‌ترین تمام این ریزش‌ها به ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶ بازمی‌گردد. جایی که ۴۳ معدنچی جان باختند و درنهایت از سوی دادگستری استان گلستان مشخص شد که مقصر حادثه کارفرما بوده است. تمام اینها مرور کلی و کوتاهی بود از حوادث ریزش معدن در اسسال و سال گذشته. مروری بر از دست دادن جان‌هایی که کار و تلاش برای درآوردن نان حلال با شرایط سخت را پذیرفته بودند. معدن طزره نیز سرآمد تمام این حکایت‌های تلخ از ریزش است و این اولین باری نیست که معدن زغال‌سنگ طزره دامغان جان کارگران را می‌گیرد. اردیبهشت ۱۴۰۰ هم در حادثه‌ای برای دو کارگر بعد از چند روز تلاش در آخر بدن بی‌جان آن دو را از زیر خروار آوار زغال‌سنگ بیرون کشیدند. اکبر عبداللهی، یکی از کارگران بازنشسته معدن طزره درباره حادثه دو شب گذشته معدن طزره در گفت‌وگو با «فرهیختگان» می‌گوید: «در معدن زغال البرز غربی و در یکی از تونل‌های آن، لایه‌ای با عنوان ۵۵ وجود دارد که در آنجا کارگرانی که مسئول استخراج زغالند، مشغول کار بودند و دویل می‌بردند. این لایه گازخیز است. معمولاً سه نفر از کارگران مشغول استخراج می‌کنند، و نفر راننده لوکوموتیو و کمکش حضور دارند و یک نفر دیگر هم برای تخلیه زغال در واگن حضور دارد. در مجموع شش نفر در آن رسته کار می‌کردند. لایه گازخیز

انفجار در معدن رخ داده است. دو نفر راننده لوکوموتیو که پایین در حال بار زدن زغال بوده و یک کارگر پای «بونکر» زیر کارگاه استخراج و سه نفر کارگر استخراج این‌س معدن زیر آوار ماندند. درنهایت هم پیکر بی‌جان ۶ کارگر محبوس در این معدن س ساعت ۵ صبح ۱۳ شهریور پیدا شد. این اولین حادثه از ریزش معدن و محبوس ماندن کارگران در زیر آوار در چند سال گذشته نیست. ریزش معدن کرومیت ارزوئیه در استان کرمان در تاریخ ۵ تیر ۱۴۰۲، ریزش بخش‌هایی از سقف تونل معدن زغال‌سنگ در دی ماه ۱۴۰۱، ریزش معدن پایدانا. دوشنبه ۹ آبان ۱۴۰۱ حوالی ساعت ۱۹ و ۲۰ دقیقه شب هم بر اثر ریزش سقف در تونل شماره ۱۴-۱۲ معدن زغال‌سنگ پایدانا از معادن زغال‌سنگ کرمان، پنج کارگر دچار حادثه شدند. شمار جان‌باختگان این حادثه دو نفر و شمار مجروحان نیز دو نفر اعلام شد. حادثه آن ماه ۱۴۰۱ در کارگاه ۱۴-۱۴ معدن زغال‌سنگ «پایدانا»، از معادن زغال‌سنگ کرمان در شهرستان کوهبنان درحالی رخ داد که حدود چهار کارگر در عمق تونل مشغول کار استخراج بوده‌اند. دو کارگر توانسته‌اند به موقع از زیر آوار فرار کنند درحالی که دچار مجروحیت شدند اما دو کارگر زیر بار سنگین ریزش تونل گیر افتادند. عملیات امداد و نجات تا ساعت سه بعد از نیمه‌شب ادامه یافت تا درنهایت پیکر بی‌جان دو معدنچی از زیر خاک بیرون کشیده شد. همچنین پیش از این نیز در تاریخ یکم شهریور ماه سال گذشته، یک حادثه مشابه دیگر در کارگاه ۲۳/۱۷۲ معدن زغال‌سنگ «هشونی» از معادن زغال‌سنگ کرمان در شهرستان کوهبنان رخ داد که حدود ۶۶ کارگر در عمق تونل، حین کار تعمیرات بر اثر شکستگی سقف دچار حادثه شدند. در این آوار،



زینب مرزوقی

خبرنگار گروه جامعه

خیلی‌هایمان برای آوردن مثال و بازگو کردن یک کار سخت، مثال کار در معدن را به میان می‌آوریم. اما در واقع بسیاری از ما، از نزدیک سختی کار معدن را ندیده‌ایم. حتی من هم. کار در هوای خفه، پر از ذرات معلق زغال‌سنگ، گوگرد یا گازهای دیگر تنفس در چنین هوایی و کار کردن در چنین موقعیتی از پس از همه‌برنمی‌آید. راستش اصل سوزه، سختی کار در معدن نیست. سوزه موقعیتی است که تقریباً گاه و بی‌گاه و هرچند وقت یک‌بار، رسانی‌ها و اذهان عمومی را به سمت معدن، معدن کاران و کارگران معدن سوق می‌دهد و بعد هم فراموش شدن آن اتفاق تا ماه بعد یا سال بعد و تکرار چنین حادثه‌ای. یعنی ریزش معدن، محبوس ماندن و مرگ کارگران معدن. ۱۲ شهریور ماه حوالی شب بود که خبر ریزش یک معدن در طزره دامغان در رسانه‌ها منتشر شد و ۶ کارگر در معدن محبوس شدند. در ابتدای انتشار خبر وضعیت دسترسی به کارگران مشخص نبود و ورودی معدن نیز بسته شده بود. تا اینکه کم‌کم خبر رسید که هر ۶ کارگر محبوس در معدن درگذشته‌اند. آن‌گونه که کارگران در گفت‌وگو با رسانه‌ها روایت می‌کنند، ظاهراً گاز به‌وسیله کیسه‌ای (لوله از جنس گونی‌های پلاستیکی) از داخل معدن در زمان کار کردن کارگران با پیکور به بیرون منتقل می‌شود. این گاز در آن شب، در هوای داخل تونل باقی مانده و با انباشت گاز و جرقه ناشی از فعالیت پیکور،

براساس گزارشی از خبرگزاری ایلنا؛ احسان سهرابی، عضو کارگری اسبق شورای عالی حفاظت فنی گفته است که در کشور ما میزان حوادث کار و مرگ‌ومیر ناشی از آن، از استانداردهای جهانی و از داده‌های مشابه در کشورهای مترقی و صنعتی «بسیار بیشتر» است و گواه آن نیز مرگ بیش از پنج کارگر در هر روز است. همچنین در آن گزارش آمده است که مسعود قادی‌پاشا، معاون پزشکی و آزمایشگاهی سازمان پزشکی قانونی کشور درباره آمار متوفیان ناشی از حوادث کار در سال ۱۴۰۱ گفته که در مجموع ۱۹۰۰ نفر در سال ۱۴۰۱ در حوادث ناشی از کار، جان خود را از دست دادند. این درحالی است که رعیتی‌فرد، معاون روابط کار وزارت کار، آمار مرگ ناشی از حوادث کار را کمتر از نصف آمار پزشکی قانونی اعلام کرده و گفته: «نسبت به سال قبل ۱۳ تا ۱۴ درصد حوادث ناشی از کار کاهش پیدا کرده است. سال گذشته ۷۱۱ نفر از کارگران مشمول قانون کار در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست داده‌اند.»

اما خب پرسشی که مطرح است چرا بعضی از این معادن جان کارگران را می‌گیرند و دلیل آوار شدن معادن چیست؟ آن‌گونه که پیدا است و براساس گفته‌های کارگران قدیمی معدن زغال‌سنگ طزره در گزارشی با همین موضوع، به عقیده کارگران معدن زغال‌سنگ طزره مساله اول کیفیت بسیار پایین چوب‌هاست. «در گذشته از چوب‌های روسی و کانادایی استفاده می‌شد و استقامت نسبتاً خوبی

همین چند روز گذشته یعنی اوایل شهریورماه بود که جمعی از کارگران شرکتی شاغل در معدن زغال‌سنگ طیس که به‌صورت پیمانکاری تحت مسئولیت «شرکت الماس شرق گلشن» مشغول کارند، با خانواده‌هایشان با حضور در مقابل ساختمان استانداری خواستار پیگیری وضعیت شغلی و استخدامی خود شدند. این کارگران حدوداً ۳۵۰ نفرند که به‌صورت شرکتی در یکی از شرکت‌های پیمانکاری به کار مشغولند و خواستار روشن شدن وضعیت استخدامیشان با

به جز خطرات ریزش معدن و آوار آن روی سر کارگران، معادن زغال‌سنگ آلودگی‌های محیط‌زیستی مخصوص به خودش را نیز به دنبال دارد. «وقتی تا عمق دو سه هزار متری زمین پیش می‌روند خب به آب می‌رسند و این آب از داخل معدن زغال‌سنگ به رودخانه روستا سرازیر می‌شود و آب را آلوده می‌کند. همین جا را شما ببینید، کنار رودخانه زغال‌سنگ است. پای درخت‌های باغات روستا زغال‌سنگ بسته! باطله‌ها را هم پیمانکاران داخل رودخانه می‌ریزند، در صورتی که طبق دستورالعمل محیط‌زیست باید این باطله‌ها را ببرند ولی در رودخانه‌رها می‌کنند چون اصلاً برای آنها مهم نیست اینجا آدم زندگی می‌کند. بارها نامه‌نگاری کردیم، چه آن موقع که در معدن کار می‌کردم چه الان. به محیط‌زیست نامه زدیم که چنین مشکلی اینجا وجود دارد، اما دروغ از یک فشار یا نظارت! سواى آدم‌ها، حیوانات روستا هم از این

آمار مبهم فوت کارگران

کارگر مجبور است بیشتر وقتش را صرف استخراج کند و همین باعث می‌شود به جای هریک متر، هر پنج شش متر یک آرک برزند و این یعنی بازی با جان خودش.» معدن طزره اوخر دهه ۴۰ کارش را شروع کرد و اوایل تا چهار تا پنج هزار کارگر داشت. اما الان با بخش اداری حدود هزار کارگر دارد که حدود ۸۰۰ نفر اینجا و در معدن مشاغل هستند. اوایل همه استخدام دولت بودند منته‌ا رفته‌رفته نیروهای پیمانکاری اضافه شدند و الان اکثریت پیمانکاری هستند. البته نیروهای پیمانکاری هم دو دسته هستند، یک دسته به قولی نیمه‌پیمانکاری بودند و یک گروه هم که کلا پیمانکاری هستند. همچنین امکانات خاصی هم ندارند و پیمانکارها بیشتر اوقات به دنبال سود بیشترند. برای همین هم حداقل امکانات در معدن و گیلان که تاریخ‌انتشار آگاهی ۳۰ مهر ۱۴۰۱ و تاریخ بازگشایی پاکات ۲۸ آبان ۱۴۰۱ است. گروه سوم استان‌های اصفهان، ایلام، چهار محال و بختیاری، خوزستان، کرمانشاه، لرستان، همدان و یزد که تاریخ انتشار آگاهی ۱۴ آبان ۱۴۰۱ و تاریخ بازگشایی پاکات ۱۲ آذر ۱۴۰۱ است. گروه چهارم استان‌های سمنان، تهران، مرکزی، قم، جنوب استان کرمان، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد، البرز و فارس

نامطلوب بودن وضعیت کارگران معدن در شهرهای دیگر

نمی‌کنند. همچنین میزان دریافتی و ساعات کار کارگرانی که در کارگاه‌های دولتی کار می‌کنند به نسبت کارگران بخش خصوصی و نیروهایی که زیر نظر پیمانکاران هستند بسیار متفاوت است. اغلب این کارگران نیز خواهان حذف پیمانکاران و بستن قرارداد مستقیم هستند؛ چرا که پیمانکاران دستمزد آنها را

سکوت محیط‌زیست درمقابل احیای دوباره ۴۰۰ معدن

خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان، گلستان، مازندران و هرمزگان که تاریخ انتشار آگاهی مزایده ۱۶ مهر ۱۴۰۱ و تاریخ بازگشایی پاکات آن ۱۴ آبان ۱۴۰۱ است. گروه دوم اردبیل، ارسال و ماکو، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، زنجان، قزوین، کردستان و گیلان که تاریخ‌انتشار آگاهی ۳۰ مهر ۱۴۰۱ و تاریخ بازگشایی پاکات ۲۸ آبان ۱۴۰۱ است. گروه سوم استان‌های اصفهان، ایلام، چهار محال و بختیاری، خوزستان، کرمانشاه، لرستان، همدان و یزد که تاریخ انتشار آگاهی ۱۴ آبان ۱۴۰۱ و تاریخ بازگشایی پاکات ۱۲ آذر ۱۴۰۱ است. گروه چهارم استان‌های سمنان، تهران، مرکزی، قم، جنوب استان کرمان، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد، البرز و فارس